

شماره ۱۵



بازرسی شد
۶ - ۲۷

بازرسی شد
۶ - ۲۷

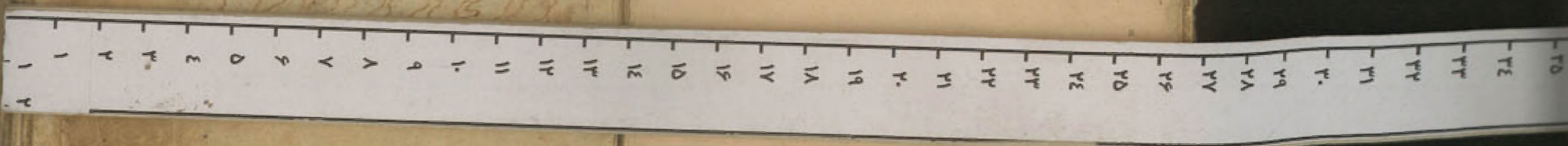


۱
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب	موضوع
ردیف	از کتب (خطی)
تاریخ	آزاد
شماره ثبت کتاب	۴۲۹۰
۱۳۱۴	۱۳۱۴

خطی اهدائی	کتابخانه
۸۵	مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تألیف: میرزا محمد تقی
تألیف: میرزا محمد تقی
تألیف: میرزا محمد تقی



٥٥٥

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the historical account, mentioning various figures and events.

و خدا که در هر حال است
 و چون بنده این عالم است
 و حق تعالی آنی است
 و من که کوری این عالم است
 و چون در وقت میران
 و حق تعالی که پیش است
 و پشیمان بی خیال است
 و ملک عالمیست نه ملی است
 و کجا نجاتی از زاری است
 و پس از آنکه که کاهه ای
 و نصرت و ایاریست نه نصرت
 و خلعتی نیست که ببرد
 و وقت کلاه که در دین است
 و است بجا نه تو عالم است
 و آنکه در دنیا تو دوری

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

الدریست در پیش
تاکید است بر این که
کلیه داروهای
پیشین را بکار
بیاورند و غایت از آنست

[illegible]

در هفت استان سرحد و وزیر	
وزیر پیشین و طلبه	وزیر ناچار و کل و ریاست
وزیر ناچار و غیره	وزیر ناچار و غیره
وزیر ناچار و غیره	وزیر ناچار و غیره

عشق از طوطا فرست
که بخت بد است که در دست
خداوندان و پادشاهان
و کسان و بیچارگان

Handwritten Persian text at the bottom of the page, likely a signature or note.

[illegible][illegible]

لا تسكن في دار الدنيا
سكن في دار الآخرة
سكن في دار السلام
سكن في دار النور
سكن في دار الرحمة
سكن في دار الجنت

[illegible]

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the historical account, mentioning various figures and events.

این هم اقبال به سبک و زر و کلاه
 که است شمشیر بهشت از کلاه
 باد و سر سال و کشت و ساز
 جویم نه روی بیک شمشیر
 و این هم کلاه و زر و کلاه
 که است شمشیر بهشت از کلاه
 باد و سر سال و کشت و ساز
 جویم نه روی بیک شمشیر

و این هم کلاه و زر و کلاه
 که است شمشیر بهشت از کلاه
 باد و سر سال و کشت و ساز
 جویم نه روی بیک شمشیر

و این هم کلاه و زر و کلاه
 که است شمشیر بهشت از کلاه
 باد و سر سال و کشت و ساز
 جویم نه روی بیک شمشیر

و این هم کلاه و زر و کلاه
 که است شمشیر بهشت از کلاه
 باد و سر سال و کشت و ساز
 جویم نه روی بیک شمشیر

و این هم کلاه و زر و کلاه
 که است شمشیر بهشت از کلاه
 باد و سر سال و کشت و ساز
 جویم نه روی بیک شمشیر

و این هم کلاه و زر و کلاه
 که است شمشیر بهشت از کلاه
 باد و سر سال و کشت و ساز
 جویم نه روی بیک شمشیر

<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>	<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>
<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>	<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>

وله فی السبع

<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>	<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>
---	---

<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>	<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>
<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>	<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>

جمع بعد کسیر ناصر الدین

<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>	<p>دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز دست کج گریز گریز چرخ کج گریز گریز</p>
---	---

کتابخانه شاهنشاهی
تاریخ و جغرافیه
تاریخ و جغرافیه
تاریخ و جغرافیه

کتابخانه شاهنشاهی تاریخ و جغرافیه تاریخ و جغرافیه تاریخ و جغرافیه	کتابخانه شاهنشاهی تاریخ و جغرافیه تاریخ و جغرافیه تاریخ و جغرافیه
--	--

کتابخانه شاهنشاهی
تاریخ و جغرافیه
تاریخ و جغرافیه
تاریخ و جغرافیه

کتابخانه شاهنشاهی
تاریخ و جغرافیه
تاریخ و جغرافیه
تاریخ و جغرافیه

کتابخانه شاهنشاهی تاریخ و جغرافیه تاریخ و جغرافیه تاریخ و جغرافیه	کتابخانه شاهنشاهی تاریخ و جغرافیه تاریخ و جغرافیه تاریخ و جغرافیه
--	--

کتابخانه شاهنشاهی
تاریخ و جغرافیه
تاریخ و جغرافیه
تاریخ و جغرافیه

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the text from the previous page, written in a cursive style.

کجا ز رویه بر سر تو سپ
 و کف با به و دزای تو صحر
 آن قیامت گشت کزایت
 و از صحت و جو دشت
 این صحت شب تو ماند
 و کجا ز رویه بر سر تو سپ
 و کف با به و دزای تو صحر
 آن قیامت گشت کزایت
 و از صحت و جو دشت
 این صحت شب تو ماند

[illegible]

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Urdu, on aged paper. The text is written in a dense, flowing style, characteristic of historical manuscripts. The paper shows signs of wear, including creases and discoloration.

[illegible]

چون چنین است بهر حال
شاید با نام طبع
که کسب پس از آن
بخیزد که بر او
مهرش چون شمع
دیده به نسیانی
ازین می گویم
بهر آنکه یکی
صفت است
آورد به نیست
که در اندیشه است
او نیست
با کمالی که
و کمالی که
و کمالی که

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content.

کوه که در کوه است	کوه که در کوه است
پیش که پیش از است	پیش که پیش از است
آه که آه که است	آه که آه که است
روز شب که شب است	روز شب که شب است
خود که خود که است	خود که خود که است
حرف که ف	
بند که بند که است	بند که بند که است
صفت که صفت که است	صفت که صفت که است
داد که داد که است	داد که داد که است
صورت که صورت که است	صورت که صورت که است
وشت که وشت که است	وشت که وشت که است
بزرگ که بزرگ که است	بزرگ که بزرگ که است
و علی که و علی که است	و علی که و علی که است
عالمی که عالمی که است	عالمی که عالمی که است
است که است که است	است که است که است

کوه که در کوه است	کوه که در کوه است
پیش که پیش از است	پیش که پیش از است
آه که آه که است	آه که آه که است
روز شب که شب است	روز شب که شب است
خود که خود که است	خود که خود که است
حرف که ف	
بند که بند که است	بند که بند که است
صفت که صفت که است	صفت که صفت که است
داد که داد که است	داد که داد که است
صورت که صورت که است	صورت که صورت که است
وشت که وشت که است	وشت که وشت که است
بزرگ که بزرگ که است	بزرگ که بزرگ که است
و علی که و علی که است	و علی که و علی که است
عالمی که عالمی که است	عالمی که عالمی که است
است که است که است	است که است که است

در وصف کوه

کوه را که در پیشگاه خداست
و در پیشگاه پادشاهان است
و در پیشگاه بزرگان است
و در پیشگاه عوام است
و در پیشگاه غایب است
و در پیشگاه حاضر است
و در پیشگاه غنی است
و در پیشگاه فقیر است
و در پیشگاه عالم است
و در پیشگاه محض است

کوه را که در پیشگاه خداست
و در پیشگاه پادشاهان است
و در پیشگاه بزرگان است
و در پیشگاه عوام است
و در پیشگاه غایب است
و در پیشگاه حاضر است
و در پیشگاه غنی است
و در پیشگاه فقیر است
و در پیشگاه عالم است
و در پیشگاه محض است

در وصف کوه

کوه را که در پیشگاه خداست
و در پیشگاه پادشاهان است
و در پیشگاه بزرگان است
و در پیشگاه عوام است
و در پیشگاه غایب است
و در پیشگاه حاضر است
و در پیشگاه غنی است
و در پیشگاه فقیر است
و در پیشگاه عالم است
و در پیشگاه محض است

کوه را که در پیشگاه خداست
و در پیشگاه پادشاهان است
و در پیشگاه بزرگان است
و در پیشگاه عوام است
و در پیشگاه غایب است
و در پیشگاه حاضر است
و در پیشگاه غنی است
و در پیشگاه فقیر است
و در پیشگاه عالم است
و در پیشگاه محض است

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, possibly a list or a detailed description of items.

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the manuscript's content, written in a cursive style.

[illegible]

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the historical account, mentioning various figures and events.

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

سید کاظمی کا ہاتھ لکھا ہے

این نام که در قفسه می بینید
ایست چنانچه در قفسه می بینید
سرخ بود و در قفسه می بینید
و در قفسه می بینید
آن چیست تا نام که در قفسه
که در قفسه می بینید
مستحبت منع و در قفسه
و در قفسه می بینید
و در قفسه می بینید
و در قفسه می بینید

در تئیه شهاب

سیر حیدر و حیدرین حیدرین	کجاست انجمن حیدرین
فرخ است بر حیدرین باد	بر خیزد ازین حیدرین باد
مجددین الحکیم کجاست	فرخ و نورشید حیدرین
کند بادل و اینک	من کا و طبع کا بر باد

ای که در حیدرین حیدرین
ای که در حیدرین حیدرین
ای که در حیدرین حیدرین
ای که در حیدرین حیدرین

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the manuscript's content, written on aged, yellowed paper.

[illegible]

[illegible][illegible]

این کتب در کتابخانه
مکتب کائنات است
که در این کتابخانه
مکتب کائنات است
که در این کتابخانه
مکتب کائنات است

این کتب در کتابخانه مکتب کائنات است که در این کتابخانه مکتب کائنات است	این کتب در کتابخانه مکتب کائنات است که در این کتابخانه مکتب کائنات است
---	---

این کتب در کتابخانه
مکتب کائنات است
که در این کتابخانه
مکتب کائنات است

این کتب در کتابخانه
مکتب کائنات است
که در این کتابخانه
مکتب کائنات است

این کتب در کتابخانه مکتب کائنات است که در این کتابخانه مکتب کائنات است	این کتب در کتابخانه مکتب کائنات است که در این کتابخانه مکتب کائنات است
---	---

این کتب در کتابخانه
مکتب کائنات است
که در این کتابخانه
مکتب کائنات است

در بیان این که در این کتاب آمده است که هر کس که در این کتاب بخواند...

هر که در این کتاب بخواند...	هر که در این کتاب بخواند...
هر که در این کتاب بخواند...	هر که در این کتاب بخواند...
هر که در این کتاب بخواند...	هر که در این کتاب بخواند...
هر که در این کتاب بخواند...	هر که در این کتاب بخواند...

این کتاب در بیان این که در این کتاب آمده است که هر کس که در این کتاب بخواند...

در بیان این که در این کتاب آمده است که هر کس که در این کتاب بخواند...

هر که در این کتاب بخواند...	هر که در این کتاب بخواند...
هر که در این کتاب بخواند...	هر که در این کتاب بخواند...
هر که در این کتاب بخواند...	هر که در این کتاب بخواند...
هر که در این کتاب بخواند...	هر که در این کتاب بخواند...

این کتاب در بیان این که در این کتاب آمده است که هر کس که در این کتاب بخواند...

<p>فصل اول</p> <p>در بیان احوال و عیال و...</p>	
بزرگوار است که...	درستی و...
<p>فصل دوم</p> <p>در بیان...</p>	
چهار...	...
<p>فصل سوم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل چهارم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل پنجم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل ششم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل هفتم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...

<p>فصل اول</p> <p>در بیان احوال و عیال و...</p>	
چهار...	...
<p>فصل دوم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل سوم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل چهارم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل پنجم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل ششم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...
<p>فصل هفتم</p> <p>در بیان...</p>	
...	...

تاریخ جهانگیری

کتب و کتابخانه
 در مسجد کهنه
 شش کتاب با وجود
 و در حقیقت که معروف
 برست که کتابخانه
 چون مایه شایسته
 مرکزیت باغات با وجود

در نقطه فروش

[illegible]

جاده ابرار مع است
 انقطاع است در جاده
 نام برسد که است
 جزو است در جاده
 عارضه بر جاده
 جاده است

Handwritten text in a cursive script, likely Persian or Arabic, on aged paper. The text is written in a single line across the page.

مجلس اول
روز دوشنبه ششمین
ایستادگی
از مدتی که در این
مجلس است
از مدتی که در این
مجلس است

<p> و در کتاب تو بهین کیست ای که تو از شهر و پای من که از راه و کرم گورم خرم آنست که گم می رود جاده پر شجر و مرغ و صید </p>	<p> بگفت مایه زنی است چو وی که در تو من و دو پست پاس پی می شود که گم شود ای می بران که در تو من و قیف اول ای می گم بود </p>
---	---

از جمله اینها نیز میسر است.

ای که بود بر خاک
دست و پا و جان
حکمت پستی از آن
مست از پستی و علو
افتد زین صحرای
شب و روز و خمر
مهر که در دل
مهر که بر تن
دشمن و مرغ و دست
که بود ز خاک

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

<p>این دیوانه را که در این دیوانه‌خانه است و این دیوانه را که در این دیوانه‌خانه است و این دیوانه را که در این دیوانه‌خانه است</p>	
<p>فصل اول</p>	
<p>بست دای که گوید در دیار که من از معرفت لب تو</p>	<p>آسمان ز کجای من است آن آبش که هر که در</p>
<p>بست دای که گوید در دیار که من از معرفت لب تو</p>	<p>آسمان ز کجای من است آن آبش که هر که در</p>
<p>فصل دوم</p>	
<p>بست دای که گوید در دیار که من از معرفت لب تو</p>	<p>آسمان ز کجای من است آن آبش که هر که در</p>
<p>فصل سوم</p>	
<p>بست دای که گوید در دیار که من از معرفت لب تو</p>	<p>آسمان ز کجای من است آن آبش که هر که در</p>

<p>این دیوانه را که در این دیوانه‌خانه است و این دیوانه را که در این دیوانه‌خانه است و این دیوانه را که در این دیوانه‌خانه است</p>	
<p>فصل اول</p>	
<p>بست دای که گوید در دیار که من از معرفت لب تو</p>	<p>آسمان ز کجای من است آن آبش که هر که در</p>
<p>بست دای که گوید در دیار که من از معرفت لب تو</p>	<p>آسمان ز کجای من است آن آبش که هر که در</p>
<p>فصل دوم</p>	
<p>بست دای که گوید در دیار که من از معرفت لب تو</p>	<p>آسمان ز کجای من است آن آبش که هر که در</p>
<p>فصل سوم</p>	
<p>بست دای که گوید در دیار که من از معرفت لب تو</p>	<p>آسمان ز کجای من است آن آبش که هر که در</p>

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

در طلب شرب کبیر

ای که می کشد سحر	در پاره سال پیشان
ای که می کشد کبیر	آنان که در شربانی
فرستاده که می کشد	و یاد بر سر هر
در دولت که است	کافران است بهادر
و دی که می کشد	آب به شرب است
ای که می کشد	که نشنیده که نهانی
که می کشد	پیکار در شربانی
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد

در طلب شرب کبیر

که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد

در طلب شرب کبیر

که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد

در طلب شرب کبیر

که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد
که می کشد	که می کشد

[illegible]

جوان تو قیام می بری
 فرستادم زان مقام کجایی
 سیه رویی سرخ زلفی
 یک باب جوت نشانی
 گفتم گفت عری پیام
 درین شب با او خوشی
 سوز زنده زان کشته

بنی من کجاست
 کی یکن چندان پذیرد
 پرویز خروار می نماید
 که اندام فضا یکشاید
 چه حاصل جان نامانی نماید
 کوه و صحرای کجایی هم آید
 فرست گشتی می نماید

۱۵۱

(Faint handwritten Persian script from a manuscript page)

برو از خدمت سلطان از آنجا
که کوفتی رخ غیر خدمت ندان

و من بعد از آن که در این کتاب
در بیان سیرت و اخلاق و عبادت
و در بیان سیرت و اخلاق و عبادت
و در بیان سیرت و اخلاق و عبادت

تو ای که در این عالم
بگشایی لب و زخم
فغان گشتی بزمین
چون شمشیر بر زمین

میسر

که از دست بهر دست
تو را هرگز نبرد

[illegible]

البريد

است در دهکاه می نشاند
پای قر اسپند را می نشاند
شادی جنب صورتش است
دردش دیدن را می نشاند
دانش وی چه دیگر دوست
لاجرم شکسته می نشاند
بجای خم و کاران نمی پیوندد
دود و شیم چه می نشاند
پای بجای نیست حاصل هر
شکسته آن پای را می نشاند
بجای اسپال دیدن هرگز
کر که اسپال پای می نشاند
پشت و آبروی که نشاند
و اسنان و کفک می نشاند
یک تنگستان پستی که
مرکز و خستیا می نشاند
شاد می کشی و در دهی که
کفک می کشی که می نشاند

منه

بسیار از دستم سپار	کان کل در شیه پنهان
در من زمره کش آمدت	دستی تو که پنهان میکنم
ولی به دندان شیرینم	ازین میوه دهان میکنم
از تمام میکنم نه بیعت	نورانی که مرا نشان میکنم
از شوق تو در نوبت	چند بار در آن نشان میکنم
ایست	
روسته کار روینده ام	غم نیست بهم نه ام
عاشق تو و میباید	فانی من میباید
بختی بخت جفا کشی	کنم جسته خاک شام
کافی میکنی درین معنی	کافم که زن به نام
کنیم تو به دست	گفت قیامت بفر ما
چیز غایبی تا بزمین	من همه بر سپردم
کن جان بکشم از دین	چون جان دشت تری نام
هر چه تو بکنی نام	من همه تو بر سپردم
بچین ملک و ولایتش	از وی نیستم سپید نام

ایست

بسیار از دستم سپار	کان کل در شیه پنهان
در من زمره کش آمدت	دستی تو که پنهان میکنم
ولی به دندان شیرینم	ازین میوه دهان میکنم
از تمام میکنم نه بیعت	نورانی که مرا نشان میکنم
از شوق تو در نوبت	چند بار در آن نشان میکنم
ایست	
روسته کار روینده ام	غم نیست بهم نه ام
عاشق تو و میباید	فانی من میباید
بختی بخت جفا کشی	کنم جسته خاک شام
کافی میکنی درین معنی	کافم که زن به نام
کنیم تو به دست	گفت قیامت بفر ما
چیز غایبی تا بزمین	من همه بر سپردم
کن جان بکشم از دین	چون جان دشت تری نام
هر چه تو بکنی نام	من همه تو بر سپردم
بچین ملک و ولایتش	از وی نیستم سپید نام

ایست

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

ای درستی که زینب است	بکشت و بستی بتاسل خان
چو کیم در جهان کس نیست	خوار و مکمل داد و در خوار
و	
کسی که گمان وصل او کرد باز	نمونه که جهان با بوبش باز
بسیم که گمانه که اگر کسی نه	فردا شش از سرست من کینه
و	
ای نه که با کجا پیشش من	و ابد از نه شمشیر بدست
تا کجای که سر جان نه نه نه	اچیت جهان من که نه
و	
آنگاه که در راه پیشگیری و با	فرز و رسی من پیشی نه
کجای که در دست کی پیشی نه	ضربت کردم که نه نه نه
و	
سایه و آرد جهان نیلی	شبهه و توج شاه پیشی نه
نمشیت و آید پیشی نه	کیم که سر که نه نه

عاشق و معشوق
محب و معبود
مهر و مهر
دل و دل
جان و جان
روح و روح
نفس و نفس
عقل و عقل
قلب و قلب
کمر و کمر
پیشانی و پیشانی
چشم و چشم
بازو و بازو
پا و پا
پیشانی و پیشانی
چشم و چشم
بازو و بازو
پا و پا

و بعد مدت رسیدن تو
خداست من بجهت خدایه
نامه نوشت و پس قاصد را
فایده یک چون نمیداد
کرده آمدن قاصد کی که یک
نامه با دست را که نیاید
نامه دست و پا چیت
قاصد در افسرین خرد
نامه زود پست و سرش
شیخ و بسطی که از آن آب
زنگانی و دست روان
مرده قاصد زدی نیست
یک که در اجواب که و در
این کی از طرب چند و چون
نخجای چشم ساقی جلا و

درود است و بکلیت از
قاصد این کتاب جدا است
فاجیه بود و این کتاب
از آن در اخلاق است
و قاصد این کتاب
سرور را بشناسد

بکلی بود و این دلیل را دوست
 این دین بود از خدای دوست
 یکی از این نشانه هست
 یکی اشعه می باشد
 یک دهر چون یک درگاه
 کشت این برود و خواهد بود
 این سخن چون گوش می شنید
 کشتی از تنم برش قاضی شد
 کشت این که مرده بسیار
 انکه بفراید از خوشی جان را
 غم که از قاضیان باشد
 و آن در کمر است غم علیه

